

ششمین همایش جرم‌شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان

نهاد برگزار کننده همایش: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار

(با همکاری و حمایت معنوی دادگستری بروجرد، دانشگاه امام صادق، انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه لرستان، آموزش و پرورش، دانشگاه آزاد رفسنجان، سازمان ارشاد اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه و....)

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۲۹ آذرماه ۱۴۰۲ شماره مقاله: ۲۸/۹۶۶۶۲ رده بندی کنگره: ب ۵۶/۷۵۴۷

تحلیل جزایی و جامعه شناختی متداول ترین آسیب های اجتماعی و

جرایم بارز نوجوانان در جامعه

ژیلا محمودی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

بررسی و ریشه یابی انحرافات و آسیب های اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، متأثر از مجموعه ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می کند. ظرفیت های شناختی نوجوان به ما کمک می کند تا درمان مشکلات او را روش شناختی دنبال کنیم. او از این طریق می تواند با آگاهی یافتن از نتایج رفتار خود توانایی خویش را برای مقابله با مشکل و انتخاب رفتارهای بهتری که نتایج رضایت بخش داشته باشد گسترش دهد. اگر نوجوانان، هر چند برای سرگرمی و تنوع و تفریح دست به بزهکاری بزنند، این کار وی کم کم زمینه ای خواهد بود تا به سمت و سوی بزهکاری سوق یابد. دلیل عمده این کار، چگونگی شروع به انجام عمل بزهکارانه و کشیده شدن فرد به این راه است. به همین دلیل در این مقاله قصد داریم به تحلیل جزایی و جامعه شناختی متداول ترین آسیب های اجتماعی و جرایم بارز نوجوانان در جامعه بپردازیم. روش تحقیق تحلیلی-توصیفی بوده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده ها فیش برداری است.

واژگان کلیدی: آسیب اجتماعی، کج روی اجتماعی، بزهکاری نوجوانان، امنیت اجتماعی



بخش اول: بررسی و شناخت چابستی آسیب های اجتماعی جوانان

تعدد و فراوانی انواع آسیب های اجتماعی و کاهش سن افراد آسیب دیده، زنگ خطری است تا به اقدامات پیشگیرانه و آشنایی با علل بروز آنها بیشتر پرداخته شود. این موضوع را نمی شود انکار کرد که هیچ جامعه ای به دور از آسیب های اجتماعی نیست اما توجه به این موضوع که بیشترین پرونده های دادگستری در ارتباط با مسائل اجتماعی است؛ ضرورت و اهمیت اقدامی جهادی را دوچندان می کند. افزایش آسیب های اجتماعی هم اینک مهم ترین چالش و تهدید جامعه است؛ به ویژه آن که آسیب پذیرترین قشر جامعه که نوجوانان هستند به شدت در معرض این تهدید قرار دارند. نگاهی به آمار افراد آسیب دیده، این زنگ خطر را به صدا در می آورد که هنوز افراد جامعه ما شناخت کافی از تعریف آسیب های اجتماعی و مهم ترین علل بروز آنها ندارند. مطالعه انحرافات و کجروی های اجتماعی و به اصطلاح، آسیب شناسی اجتماعی عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی نظمی های اجتماعی. در واقع، آسیب شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه یابی بی نظمی ها، ناهنجاری ها و آسیب هایی نظیر بیکاری، اعتیاد، فقر، خودکشی، طلاق و... همراه با علل و شیوه های پیش گیری و درمان آن ها و نیز مطالعه شرایط بیمارگونه و نابسامانی اجتماعی است. ۱. به عبارت دیگر، مطالعه خاستگاه اختلال ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی، آسیب شناسی اجتماعی است. زیرا اگر در جامعه ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می آید و رفتارها آسیب می بیند. یعنی، آسیب زمانی پدید می آید که از هنجارهای مقبول اجتماعی تخلفی صورت پذیرد. عدم پای بندی به هنجارهای اجتماعی موجب پیدایش آسیب اجتماعی است. از سوی دیگر، اگر رفتاری با انتظارات مشترک اعضای جامعه و یا یک گروه یا سازمان اجتماعی سازگار نباشد و بیشتر افراد آن را ناپسند و یا نادرست قلمداد کنند، کجروی اجتماعی تلقی می شود. سازمان یا هر جامعه ای از اعضای خود انتظار دارد که از ارزش ها و هنجارهای خود تبعیت کنند. اما طبیعی است که همواره افرادی در جامعه یافت می شوند که از پاره ای از این هنجارها و ارزش ها تبعیت نمی کنند. افرادی که همساز و هماهنگ با ارزش ها و هنجارهای جامعه و یا سازمانی باشند، «همنوا» و یا «سازگار» و اشخاصی که برخلاف



هنجارهای اجتماعی رفتار کنند و بدان ها پای بند نباشند، افرادی «ناهمنوا» و «ناسازگار» می باشند. در واقع، کسانی که رفتار انحرافی و نابهنجاری آنان دائمی باشد و زودگذر و گذرا نباشد، کجرو یا منحرف نامیده می شوند. این گونه رفتارها را انحراف اجتماعی یا (Social Devianced) و یا کجروی اجتماعی گویند. در زمان ها فرهنگهای متفاوت، رفتارهای زیادی به عنوان کجروی یا همنوایی تلقی شده اند گاهی یک عمل واحد در یک گروه به مثابه کجروی تعریف می گردد ولی در گروه دیگر به عنوان همنوایی در نظر گرفته می شود به عنوان مثال بی حجابی بعضی جوامع یک رفتار همنوایی تلقی می گردد در حالی که در یک جامعه اسلامی این رفتارها با واکنش نسبتاً شدیدی روبرو می شود. همچنین از لحاظ می توان این پدیده را مورد بررسی قرار داد. یعنی در یک جامعه زمانی بی حجابی به عنوان هنجار در آمده است و در زمانی دیگر این پدیده نوعی ناهنجاری به حساب می آید در این ارتباط می توان از ایران قبل و بعد از انقلاب نام برد. بنابر این، محیطی اجتماعی - فرهنگی که عمل کجروی در آن می گیرد باید با دقت مورد ملاحظه واقع گردد.

بخش دوم: بزهکاری نوجوانان و جوانان و زمینه ها و علل پیدایش بزه و

بزهکاری نوجوانان

نوجوانی دوره ی جالبی است زیرا برای هر عبارت که درباره ی نوجوانان بکار می رود مفهوم مقابل و ضد آن نیز می تواند مورد استفاده قرار می گیرد. مثلاً نوجوانان با والدین خود سازگاری دارند و با نوجوانان علیه والدین خویش شورش و طغیان می کند به نظر می رسد که اختلا عمده ی نوجوانان با والدین و دیگر بزرگسالان در زمینه ی کسب آزادی به منظور آزمودن انواع نقش ها و فرصت هاست تا بتوانند الگوهای جدید احساس افکار و اعمال را فرا گیرند با این حال عده ای از نوجوانان بیشتر از بقیه از آزادی بهره مند و بیشتر از سایرین از آن استفاده می کنند خوشبختانه اکثریت نوجوانان از معیارها و شیوه های رفتاری والدین خود چندان دور نمی مانند و دره ی نوجوانی به بزرگسالی راه موفقیت و حداقل مشکل می گذرانند در حالی که عده ای از این نظم



اجتماعی به سوی فرهنگ بزهکاری انحراف پیدا می کنند. زمینه ها و علل پیدایش بزه و بزهکاری نوجوانان را میتوان به شرح زیر دانست:

۱ - توانایی ذهنی : در زمان های گذشته بین بزهکاری و عقب ماندگی ذهنی نزدیکی زیادی تصور می شد ولی امروز با وجود تستهای پیشرفته هوشی و تکنیک های پژوهشی دیگر نمی توان عقب ماندگی ذهنی را علت اساسی بزهکاری دانست.

۲ - شرایط خانوادگی : هر تحقیق عمده ای در زمینه ی بزهکاری رابطه ی نزدیکی بین بی ثباتی در شرایط محیط طندگی خانواده و اجتماع کودک با بزهکاری را نشان داده است به طور کلی بزهکاران دارای والدینی هستند که یا بسیار خشن و سختگیر و یا بسیاری تفاوت و بی توجهند.

۳ - محیط و شرایط مدرسه : محیط و شرایط مدرسه گاه موقعیت های بسیار نا سالم و نامطلوبی برای جوانان ایجاد می کنند در مدارس شلوغ و پر جمعیت که معلمان با انبوهی از دانش آموزان و وظایف و تکالیف متعدد مواجهند برای معلمان فرصت کمی باقی خواهد ماند تا به مشکلات و نیازهای هر یک از دانش آموزان توجه کنند.

بنابر این نوجوان نیازمند ممکن است به شیوه های جبرانی به رفتار بزهکارانه روی آورد تا از این طریق تا حدودی جلب توجه کند.

۴ - شرایط و محیط زندگی : بزهکاری معمولاً در حومه شهرها بزرگ و در بخش های معینی از شهرهای بزرگ بیشتر است و لی این بدان معنی نیست که در شهرهای کوچک تر و حتی در روستاها اثر از بزهکاری وجود ندارد بدیهی است که موقعیت جغرافیایی به تنهایی نمی تواند عامل زیر بنای این مسئله باشد بلکه وضع اقتصادی و فقر فرهنگی که معمولاً جمعیت زیاد و گاه روابط نا مطلوب خانوادگی و احتمالاً ارزش های غیر اخلاقی و معیارهای یضد اجتماعی همراه است، بیشتر در این زمینه نقش دارند.

۵ - خصوصیات شخصیتی : همه ی بزهکاران از لحاظ شخصیتی و عاطفی ناسازگار نیستند بلکه عده ای از آنان نسبتاً جوانان خوب و سازگاری هستند که به منظور ارضای نیازهای عادی و



بهنجار خود با گروههای ضد اجتماعی همانند می شوند. آنان به علت فشارهای گروهی خود را با آن چه از آنان انتظار می رود تطبیق می دهند و نهایتاً خود را در مخمصه و تگنا می یابند.

۶- بیکاری و بی ثمره بودن : مطالعه و کار عملی با بزهکاران نوجوان در کانون اصلاح و تربیت نماینگر این واقعیت است که بسیاری از موارد شدید بزهکاری بیشتر ناشی از بیکاری و احساس پوچی و و بیهودگی است.

بخش سوم: علل و عوامل ایجاد آسیب ها و انحرافات اجتماعی در جامعه

حال سؤال این است که آسیب ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می آیند و عوامل پیدایش آسیب ها و انحرافات اجتماعی کدامند؟ بررسی و ریشه یابی انحرافات اجتماعی از اهمیت زیادی برخوردار است. انحرافات و مسائل اجتماعی امنیت اجتماعی را سلب و مانعی برای رشد و توسعه جامعه محسوب می شود. به طور کلی، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، متأثر از مجموعه ای از عوامل است که به طور معمول در طول زندگی سر راه وی قرار دارد و وی را به انجام عملی خاص وادار می کند. هر چند بررسی عمیق انحرافات اجتماعی مجال دیگری می طلبد، اما به اجمال، به چند عامل مهم پیدایش انحرافات اجتماعی اشاره می گردد. عوامل به وجودآورنده انحراف و کجروی در جوامع مختلف یکسان نیست و مناطق از نظر نوع جرم، شدت و ضعف، تعداد، و نیز از نظر عوامل متفاوتند. این تفاوت ها را می توان در شهرها، روستاها و حتی در مناطق مختلف و محله های یک شهر مشاهده کرد. در هر جامعه و محیطی سلسله عواملی همچون شرایط جغرافیایی، اقلیمی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش خاصی حاکم است که هر یک از این ها در حسن رفتار و یا بدرفتاری افراد مؤثر است.

شهرنشینی لجام گسیخته، گسترش حاشیه نشینی و فقر، اتلاف منابع و انرژی را به دنبال دارد. حاشیه نشینی در شهرها، با جرم رابطه مستقیم دارد. تنوع و تجمل، اختلاف فاحش طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، تورّم و گرانی هزینه های زندگی، موجب می شود تا افراد غیر کارآمد که درآمدها و زندگی ایشان را کفاف نمی دهد، برای تأمین نیازهای خود، دست به هر



کاری هر چند غیر قانونی بزنند. از دیگر عوامل محیطی جرم، می توان فقر، بیکاری، تورّم و شرایط بد اقتصادی نام برد که بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه ها و نهادها تأثیر گذاشته و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد. در پیدایش انحرافات اجتماعی و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز می تواند مؤثر باشد:

۱- عوامل فردی: جنس، سن، وضعیت ظاهری و قیافه، ضعف و قدرت، بیماری، عامل ژنتیک و....

۲- عوامل روانی: حساسیت، نفرت، ترس و وحشت، اضطراب، کم هوشی، خیال پردازی، قدرت طلبی، کم رویی، پرخاشگری، حسادت، بیماری های روانی و...

۳- عوامل محیطی: اوضاع و شرایط اقلیمی، شهر و روستا، کوچه و خیابان، گرما و سرما و....

۴- عوامل اجتماعی: خانواده، طلاق، فقر، فرهنگ، اقتصاد، بی کاری، شغل، رسانه ها، مهاجرت، جمعیت و....

از آنجا که ممکن است در پیدایش هر رفتاری، عوامل فوق و یا حتی عوامل دیگری نیز مؤثر باشد، از این رو، نمی توان به یک باره فرد بزهکار را به عنوان علت العلل در جامعه مقصر شناخت و سایر عوامل را نادیده گرفت.

اگر فرد، هر چند برای سرگرمی و تنوع و تفرّج دست به بزهکاری بزند، این کار وی کم کم زمینه ای خواهد بود تا به سمت و سوی بزهکاری سوق یابد. دلیل عمده این کار، چگونگی شروع به انجام عمل بزهکارانه و کشیده شدن فرد به این راه است. افراد بزهکار افرادی هستند که همه زمینه ها و شرایط لازم برای انحراف در آنان وجود دارد. مهم ترین عامل در انحراف افراد و ارتکاب عمل نابهنجار، فردی است که موجب سوق یافتن وی به سمت بزهکاری می شود؛ چرا که فردی که می خواهد اولین بار دست به بزهکاری بزند، نیازمند فردی است که او را راهنمایی کرده و به این سمت هدایت نماید.

دومین عامل، امکانات و شرایطی است که فرد در اختیار دارد و زمینه ارتکاب وی را برای اعمال خلاف اجتماع فراهم می آورد.



فقر در خانواده، عدم تأمین نیازهای اساسی خانواده، دوستان ناباب، محیط آلوده و... نیز از عوامل روی آوری فرد به بزهکاری است.

در عین حال، به طور مشخص می توان عوامل عمده زیر را به عنوان بسترها و زمینه های پیدایش انحرافات اجتماعی و یا هر رفتار نابهنجار نام برد؛ عواملی که نقش بسیار تعیین کننده ای در پیدایی هر رفتاری، اعم از بهنجار و یا نابهنجار، ایفا می کنند. در عین حال، مهم ترین عامل یعنی خود فرد نیز نقشی تعیین کننده ای در این زمینه بازی می کنند.

اجمالاً، علل و عوامل پیدایش آسیب های اجتماعی، به ویژه در میان نوجوانان و جوانان را می توان به سه دسته عمده تقسیم نمود:

۱- عوامل معطوف به شخصی.

۲- عوامل فردی.

۳- عوامل اجتماعی.

الف) عوامل شخصیتی

این دسته از عوامل معطوف به عدم تعادل روانی، شخصیتی و اختلال در سلوک و رفتار است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

▪ ویژگی های شخصیتی افراد بزهکار و کجرو معمولاً ویژگی های شخصیتی افراد بزهکار، بی قاعدگی رابطه و ارتباط میان فرد و جامعه و ارتکاب رفتارهای نابهنجار و خلاف مقررات اجتماعی است، ولی معمولاً از نظر مرتکب و عامل آن در اصل و یا در مواقعی خاص، این گونه رفتارها ناپسند شمرده نمی شود. افراد روان رنجور و روان پریش نسبت به ارزش ها، هنجارها و مقررات اجتماعی بی تفاوت بوده و کمتر آن ها را رعایت می کنند. اعمال و شیوه های رفتاری این گونه افراد نظام اجتماعی را متزلزل و گاهی نیز مختل می کند و موجب می شود که رعایت ارزش های اخلاقی و هنجارها در جامعه و نزد سایر افراد زیرسؤال رفته و آن را به پایین ترین سطح عمل تنزل دهد.



رفتاری است که فرد را به سوی موقعیت های خطرزا و ارتکاب اعمال بزهکارانه رهنمون می کند.

بخش چهارم: نگاهی به علل اجتماعی انحرافات نوجوانان

بند اول: عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی

مطالعات و تحقیقات نشان می دهد تا زمانی که اعضای جامعه پای بند به اعتقادات مذهبی خود باشند، خود و فرزندان شان به فساد و بزهکاری روی نمی آورند. در پژوهشی که توسط مرکز ملی تحقیقات اجتماعی کشور مصر در سال ۱۹۵۹ صورت گرفته است، ۷۲ درصد نوجوانان بزهکار، که به دلیل سرقت و دزدی توقیف و یا زندانی شده بودند، نماز نمی گزاردند و ۵۳ درصد آنان در ماه رمضان روزه نمی گرفتند به هر حال، این اندیشه که کاهش ایمان مذهبی یکی از علل عمده افزایش نرخ جرم در جوامع پیشرفته و غربی است، نظری عمومی است. تحقیقات صورت گرفته در کشور نیز مؤید همین نظریه است. بنابراین، افزایش انحرافات اجتماعی می تواند ناشی از عدم پای بندی خانواده ها به آموزه های دینی باشد.

بند دوم: آشفتگی کانون خانواده

از دیگر مؤلفه های مهم در سوق یافتن نوجوانان و جوانان به سمت و سوی بزهکاری و انحرافات اجتماعی، گسسته شدن پیوندهای عاطفی و روحی میان اعضای خانواده است. هر چند در بسیاری از خانواده ها، پدر و مادر دارای حضور فیزیکی هستند، اما متأسفانه حضور وجودی و معنوی آنان برای فرزندان محسوس نیست. در چنین وضعیتی، فرزندان به حال خود رها شده، ارتباط آنان با افراد مختلف بدون هیچ نظارت، ضابطه و قانون خاصی در خانواده صورت می گیرد. روشن است که چنین وضعیتی زمینه را برای خلأ عاطفی فرزندان فراهم می کند. در برخی از خانواده ها پدر، مادر و یا هر دو، بنا به دلایلی همچون طلاق و جدایی، مرگ والدین و... نه حضور فیزیکی دارند و نه حضور معنوی. در این گونه خانواده ها که با معضل طلاق و جدایی مواجه هستند، فرزندان پناهگاه اصلی خود را از دست داده، هیچ هدایت کننده ای در جریان زندگی نداشته، در پاره ای از موارد به دلیل نیافتن پناهگاه جدید، در دریای مواج اجتماع، گرفتار



ناملايمات می شوند. علاوه بر طلاق، مرگ پدر و یا مادر نیز بسان آواری سهمگین بر کانون و پیکره خانواده سایه افکنده، و در برخی موارد به دلیل بی توجهی یا کم توجهی به فرزندان و جایگزین شدن عنصر نامناسب به جای فرد از دست رفته، ضعیف شدن فرایند نظارتی خانواده، افزایش بیمارگونه بحران های روحی و روانی فرزندان و... موجب روی آوری فرد به ناهنجاری ها و انحرافات اجتماعی می شود. بر اساس نظریه «کنترل» دورکیم که معتقد است ناهمناوی و هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارای آنان دارد، به طوری که هرچه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد و نظارت های گوناگون از راه های رسمی و غیررسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیرمستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشند و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان همناوی مردم بیشتر خواهد بود، نیز بیانگر همین مسئله است که آشفته گی کانون خانواده یکی از عوامل مهم سوق یافتن فرزندان به سوی انحرافات اجتماعی است. همچنین با توجه به پژوهش های صورت گرفته در این زمینه، سارقان عمده عوامل سارق شدن خویش را «بد رفتاری، بداخلاقی، بی تفاوتی، بدزبانی و عدم برآورده شدن انتظارات از سوی همسر، خانواده و والدین» دانسته اند. عدم رضایت از رفتار والدین، تربیت ناصحیح، عدم کنترل و نظارت بر فرزندان، مشکلات عاطفی ناشی از فوت یکی از والدین، بی تفاوتی والدین، بی سوادی آنان و... جملگی حکایت از عدم امکان و یا عدم کنترل و نظارت فرزندان توسط والدین داشته و از آن رو که ارتباط صمیمانه والدین با فرزندان در این پژوهش به میزان قابل توجهی کم بوده و والدین نسبت به فرزندان خویش بی توجه بوده اند، این گونه رفتارها موجب سرخوردگی فرزندان شده، زمینه ساز بروز مشکلات رفتاری برای آنان شده است. روی آوری به سرقت یکی از راه های برون رفت از نظر جوانان در این پژوهش تلقی شده است.

بند سوم: طرد اجتماعی

چگونگی برخورد دوستان، افراد فامیل و همسایگان با فرد بزهکار، در نوع نگاه متقابل وی با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در مجموع، اگر این برخوردها قهرآمیز و به صورت طرد فرد از محیط اجتماعی باشد، جدایی وی از جامعه سرعت بیشتری می یابد. این نوع برخورد، همواره به عنوان



هزینه ارتکاب هر جرمی مدنظر است. علاوه بر این، افرادی که دارای منزلت و پایگاه اجتماعی پایینی هستند و یا از نقص عضو، بیماری جسمی، روحی، و مشاغل پایین خود یا والدین شان رنج می برند، نیز از سوی افراد جامعه مورد بی مهری قرار گرفته و ناخواسته طرد می شوند. این گونه افراد برای جبران این نوع کمبودها، و شاید هم برای رهایی از این گونه بی مهری ها و معضلات، دست به ارتکاب جرایم و انواع انحرافات اجتماعی می زنند.

بند چهارم: نوع شغل

از دیگر متغیرهایی که در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته در زمینه ارتکاب بزهکاری و انحرافات اجتماعی نقش بسزایی دارد، و مورد تأکید قرار گرفته است، ارتباط نوع شغل افراد با انحراف و بزهکاری است. همواره رابطه ای بین وضع فعالیت و شغل فرد با نوع رفتارهای وی وجود دارد. گرچه بین بی کاری و سابقه جرم و زندانی و دفعات ارتکاب جرم، رابطه معناداری مشاهده می شود، ولی این امر بدین معنا نیست که لزوماً بیکاری علت تکرار جرم باشد؛ زیرا ممکن است این رابطه به صورت معکوس باشد؛ یعنی کسانی که بیشتر مرتکب جرم می شوند، بیشتر شغل خود را از دست داده و بیکار می شوند. از جمله نکات مهم در نوع شغل، حساس بودن و اهمیت شغل است. هر چه شغل فرد مهم تر و از حساسیت بیشتری برخوردار باشد، هزینه ارتکاب جرم نیز افزایش می یابد. این مهم در خصوص مشاغل دولتی حایز اهمیت است. در حالی که، بیشتر مشاغل مستقل چنین حساسیتی ندارند و مجازات زندان موجب از دست دادن شغل مذکور نمی شود. بر اساس نتایج یک تحقیق، با افزایش مدت زندان و حبس، دفعات از دست دادن شغل افراد نیز افزایش می یابد. علاوه بر این، مشاغل دارای اعتبار و منزلت اجتماعی پایین و کم درآمد نیز موجب می شود که فرد صاحب چنین شغلی برای جبران هزینه های زندگی و افزایش اعتبار و یا منزلت خویش به شغل های دوم و سوم روی آورده، و ناخواسته از خانه، کاشانه، زن و فرزندان و تربیت آنان غافل شده، موجبات گسست، تلاشی خانواده و انحرافات آنان را فراهم آورد. در یک پژوهش از میان سارقان، بالاترین تراکم مشاغل افراد سارق، مربوط به



مشاغل کارگری، رانندگی و دامداری بوده است. عموماً مشاغل افراد سارق، از نوع مشاغل سطح متوسط به پایین جامعه است. این نوع مشاغل عموماً پرزحمت و کم درآمد می باشد.

بند پنجم: بی کاری و عدم اشتغال جوانان و نوجوانان

از دیدگاه جامعه شناسان و روان شناسان بی کاری یکی از ریشه های مهم بزهکاری و کجروی افراد یک جامعه است. بی کاری موجب می شود که افراد بیکار جذب قهوه خانه ها و مراکز تجمع افراد بزهکار شده، به تدریج، به دامن انواع کجروی های اجتماعی کشیده شوند. علاوه براین، چون بی کاری زمینه ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی است، افراد با زمینه قبلی و برای کسب درآمد بیشتر دست به سرقت می زنند؛ چرا که فرد به دلیل نداشتن شغل و درآمد ثابت برای تأمین مخارج زندگی مجبور است به هر طریق ممکن زندگی خود را تأمین نماید. از نظر چنین فردی، بزهکاری به ظاهر معقول ترین و بهترین این راه هاست. حاصل تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از تأثیر قاطع بی کاری و فقر بر افزایش بزهکاری دارد.

بند ششم: فقر و مشکلات معیشتی

در میان علل و عوامل پیدایش بزهکاری و ارتکاب انحرافات اجتماعی، عامل فقر و مشکلات معیشتی و اقتصادی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عدم بضاعت مالی مکفی خانواده ها و ناتوانی در پاسخگویی به نیازهای طبیعی و ضروری مانند فراهم ساختن امکان ادامه تحصیل حتی در مقطع متوسطه، تأمین پوشاک مناسب، متنوع و متناسب با سلیقه و روحیه آنان و... زمینه ساز بروز دل زدگی، سرخوردگی، ناراحتی های روحی، دل مشغولی، افسردگی و انزوایابی را در فرزندان فراهم می سازد. این امر موجب می شود تا این افراد برای التیام ناراحتی های ناشی از مشکلات خود از طریق مستقیم و یا غیرمستقیم، به اقداماتی دست بزنند و خود درصدد حل مشکل خویش برآیند. در نتیجه، بسیاری از این افراد برای رهایی از بند گرفتاری ها، دست به ارتکاب اعمال ناشایست می زنند. از سوی دیگر، امروزه فشارها و مشکلات اقتصادی، احتمال دو شغله بودن یا اشتغال نان آوران خانواده در مشاغل کاذب یا غیر مجاز را افزایش داده است. همین مسئله منجر به کم توجهی آنان نسبت به نیازهای جوانان، رفع مشکلات روحی و روانی و تربیت



صحیح و شایسته آن‌ها گردیده است. در این زمینه، انعکاس شرایط افسانه‌ای برخی زندگی‌ها و نمایش فاصله‌های طبقاتی توسط رسانه‌ها نقش مؤثری در ازدیاد این مشکل دارند. از نظر مرتون هنگامی که افراد نتوانند وسایل لازم را برای رسیدن به هدف‌های موردنظر در اختیار داشته باشند (و یا جامعه در اختیار ایشان قرار ندهد)، و هدف اصلی فراموش شود، افراد اهداف و آرمان‌های موردنظر جامعه را نمی‌توانند با پیروی از راه‌های مجاز و نهادی شده تعقیب کنند، از این رو، دزدی، فریب کاری، فساد، رشوه، و ارتکاب انواع جرایم در جامعه افزایش می‌یابد. دوستان ناباب گروه همسالان و دوستان الگوهای مورد قبول یک فرد در شیوه گفتار، کردار، رفتار و منش هستند. فرد برای اینکه مقبول جمع دوستان و همسالان افتد و با آنان ارتباط و معاشرت داشته باشد، ناگزیر از پذیرش هنجارها و ارزش‌های آنان است. در غیر این صورت، از آن جمع طرد می‌شود. از این رو، به شدت متأثر از آن گروه می‌گردد، تا حدی که اگر بنا باشد در رفتار فرد تغییری ایجاد شود یا باید هنجارها و ارزش‌های آن جمع را تغییر داد یا ارتباط فرد را با آن گروه قطع کرد. تأثیر گروه همسالان، همفکران، همکاران و دوستان در رشد شخصیت افراد کمتر از تأثیر خانواده نیست؛ چرا که فرد پس از خانواده، منحصراً زیر نفوذ گروه قرار می‌گیرد. بدین روی، اگر فردی با گروهی از معتادان رابطه برقرار کند و با آنان دوست شود، به تدریج تحت تأثیر رفتار آنان قرار می‌گیرد و معتاد می‌شود؛ چون از سویی، ملاک پذیرش و قبول فرد توسط یک گروه و جمع، پذیرفتن فرهنگ آن‌هاست و از سوی دیگر، معتادان هم علاقه‌مندند که مواد مخدر را به طور دسته‌جمعی استعمال کنند که هم در موقع استعمال مصاحبی داشته باشند و هم از شدت فشار سرزنش اجتماع بر خود بکاهند. از این رو، معتادان علاقه‌مندند که دوستان و همسالان خود را به جرگه اعتیادشان بکشانند. در این صورت، اگر نوجوانی از تعلیم و تربیت مقدّماتی و صحیح خانوادگی محروم باشد و خانواده‌اش او را از مضرات اعتیاد مطلع نکرده باشند و در محیط اعتیاد زندگی کند و با دوستان معتاد نیز سر و کار داشته باشد، احتمال اینکه معتاد شود زیاد است. همین فرایند تأثیر گروه بر فرد در سایر انواع بزهکاری به غیر از اعتیاد نیز صادق است.



ساترلند در نظریه «انتقال فرهنگی کجروی» خود بر این نکته مهم تأکید می‌کند که رفتار انحرافی همانند سایر رفتارهای اجتماعی، از طریق معاشرت با دیگران - یعنی منحرفان و دوستان ناباب - آموخته می‌شود و همان گونه که هموایان از طریق همین ارتباط با افراد سازگار، هنجارها و ارزش های فرهنگی آن گروه و جامعه را پذیرفته، خود را با آن انطباق می‌دهند، افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشکن، به سمت و سوی ناهمنوایی سوق داده می‌شوند. این نظریه تأکید می‌کند که فرد منحرف تنها با هنجارشکنان، و فرد همنا تنها با افراد سازگار ارتباط ندارد، بلکه هر انسانی با هر دو دسته این افراد سر و کار دارد.

بند هفتم: فقر فرهنگی و تربیت نادرست

از دیگر عواملی که موجب سوق یافتن جوانان به سوی انحرافات اجتماعی است، فقر فرهنگی و محدودیت ها و تبعیض های ناشی از فقر فرهنگی می باشد. از عوامل مهم پیدایش بزهکاری، سطح و طبقه اجتماعی و فرهنگی خانواده هاست. چنان که سطح تحصیلات (بی سواد و یا کم سواد اعضای خانواده)، سطح پایین و نازل منزلت اجتماعی خانواده، ناآگاهی اعضای خانواده به ویژه والدین از مسائل تربیتی، اخلاقی و آموزه های مذهبی، عدم همنوایی خانواده با هنجارهای رسمی و حتی غیررسمی جامعه، هنجارشکنی اعضای خانواده و اشتها به این مسئله و مسائل دیگری از این دست مؤلفه هایی هستند که در قالب فقر فرهنگی خانواده در ایجاد شوک های روانی و روحی بر فرزندان نوجوان و جوان مؤثر است و انگیزه ارتکاب انواع جرایم آنان را دوچندان می کند. تبعیض جنسیتی و یا تبعیض بین فرزندان نیز از جمله عوامل مهم فقر خانوادگی است. بسیاری از والدین آگاهانه یا ناآگاهانه با تبعیض بین فرزندان، موجب اختلاف بین آنان و دلسردی آنان از زندگی می شوند. تبعیض در برخورد با خطاها و اشتباهات فرزندان دختر و پسر و عدم اتخاذ رویه منطقی برای برخورد با خطاهای فرزندان و تنبیه تبعیض آمیز بر اساس برتری پسر بر دختر یا به عکس، موجب سلب اعتماد به نفس و بدبینی فرزندان نسبت به والدین می شود.



تبعیض در خانه با روحیه حساس و عزت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران ناپذیری را بر روح و روان آنان وارد می کند و با ایجاد بحران های روحی و سرخوردگی، آنان را به سوی عکس العمل های منفی نظیر سرقت، اعتیاد و فرار از خانه سوق می دهد.

همان گونه که عدم توجه به نیازهای عاطفی فرزندان می تواند عامل بروز ناهنجاری های رفتاری در فرزندان شود، توجه بیش از حد متعارف و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی زیاد هم می تواند زمینه بروز ناهنجاری های رفتاری در آنان شود.

در شیوه فرزندسالاری، اغلب تمایلات و خواسته های فرزندان محقق می شود، از این رو، به محض ایجاد مشکلات و بحران ها و فشارهای زندگی، که در آن امکان تحقق برخی از نیازها سلب می شود و یا در شرایطی که خواسته های فرزند به افراط می گراید و والدین با آن مخالفت می نمایند، فرزند به دلیل تربیت شدید عاطفی، روحیه عدم درک منطقی شرایط، نازپروری و بی تحملی در برابر مخالفت والدین، عصیان و طغیان نموده و همین امر موجب دوری او از والدین و اعضای خانواده می گردد و سرانجام می تواند زمینه ارتکاب انواع جرایم را فراهم سازد.

بند هشتم: رسانه ها و وسایل ارتباط جمعی

رسانه های دیداری، شنیداری و مکتوب می توانند از جمله مؤلفه های در خور توجه در ایجاد انگیزه روی آوری جوانان به سمت و سوی بزهکاری و رفتارهای انحرافی باشند. بررسی ها نشان داده اند در ظرف چند سال اخیر و در پی ورود برخی مطبوعات زرد (= مبتذل، عامه پسند و جنجالی) به عرصه رسانه های کشور و استفاده این نشریات از عناوین جنجالی و هیجانی و همچنین بهره گیری از شخصیت های سینمایی و هنری و درج اخبار بی محتوا و توأم با بزرگ نمایی، انعکاس بیش از حد اخبار مربوط به بازیگران سینما و توجه مفرط به اخبار و حوادث، توجه تعداد قابل توجهی از نوجوانان و جوانان به مطالب مندرج در آن ها جلب شده است. این مسئله موجبات فراهم آوردن زمینه های آسیب های اجتماعی مختلف شده است.

از سوی دیگر، پخش شمار قابل توجهی از سریال های تلویزیونی، از طریق صدا و سیما و یا شبکه های ماهواره ای خارجی، با مضامین زندگی های مجردگونه غربی توأم با جذابیت، نشاط،



رفاه، موفقیت و به طور کلی با تصویرسازی مثبت از این نوع زندگی های از هم گسیخته، نقش مؤثری در تقویت انگیزه گریز از قید و بندهای خانوادگی و هنجارها، و ارتکاب جرایم اجتماعی ایفا کرده است. نقش رسانه های جمعی، به ویژه ماهواره و اینترنت در رواج بی بند و باری اخلاقی، مقابله با هنجارهای اجتماعی، عدم پای بندی مذهبی و بلوغ زودرس نوجوانان در مسائل جنسی حایز اهمیت است.

امام صادق(علیه السلام) با بیان حکیمانه ای به این دوره از زندگی نوجوان اشاره می کنند و می فرمایند: «أَلَوْلَدُ سَيِّدُ سَبْعِ سنین وَ عَبْدُ سَبْعِ سنین وَ وَزِيرُ سَبْعِ سنین». کودک هفت سال اول، سیّد و فرمان رواست. او را آزاد بگذارید تا استقلال در عمل پیدا کند. در هفت سال دوم، آمادگی خاصی برای الگوپذیری دارد؛ چه اینکه هنوز در مرحله دیگر پیروی قرار دارد و الگوپذیر است. از این رو، سعی کنید در این دوره، الگوهای مناسبی در اختیارش قرار دهید و محیط تعلیم و تربیت او را هرچه بیشتر غنی و اصلاح کنید تا از طریق مشاهده الگوهای مفید و جذاب، رشد کند. اما در مورد دوره نوجوانی می فرماید: «وزیرُ سبع سنین»؛ یعنی دوره «پیروی دیگران بودن» او سپری شده و با آغاز نوجوانی، دوره دست یابی به هویت خویش آغاز شده است. او را آزاد بگذارید تا خود انتخاب کند و حتی در مورد مسائل گوناگون زندگی با او مشورت کنید و از او نظرخواه باشید. اگر با نوجوان این گونه برخورد شود و به او شخصیت و هویت و اعتبار اعطا شود، طبیعی است که هم اعتماد به نفس او تقویت می شود و هم احساس امنیت و آرامش می کند. این اساسی ترین راه برای تربیت نوجوان است.

بنابراین، هر رفتاری که از آدمی سر می زند، نشئت گرفته و متأثر از مجموعه ای از عوامل است که هرگز نمی توان نوجوان و یا جوان را یکسره مقصر و مجرم اصلی دانست و دیگران را بی گناه. با نگاه فوق، اساساً زمینه پیدایش جرم از بین می رود. از این رو، در پیدایش بزهکاری و رفتارهای نابهنجار و آسیب زا عوامل متعددی به عنوان عوامل پیدایش و زمینه ساز مؤثر هستند که فرد مرتکب شونده، تنها بخشی از قضیه می باشد. در واقع، باید با این نگاه به مجرم نگریست



که مجرم یک بیمار است. به تعبیر پریودو داریل: «بزهکار یا مریض است و یا نادان. باید به درمان و آموزش او پرداخت، نه اینکه او را خفه کرد.»

اصولا اسلام به پیش گیری جرم بیش از اصلاح مجرم اهتمام دارد. به همین دلیل پیش از هر چیز به عوامل به وجود آورنده و زمینه های گناه و جرم توجه ویژه دارد و برای مقابله با آن چاره سازی کرده است. اسلام، آگاهی، علم و تفکر را مایه اساسی هر نوع پیشرفت و سعادت دانسته، آن را بسیار می ستاید و از جهل و نادانی که مایه بدبختی و گناه است، نهی می کند. به امر رعایت بهداشت و نظافت عنایت ویژه داشته و برای سلامت روح و روان، نیز به اقامه نماز و دعا امر فرموده و گذشت، مهربانی و صبوری. حق شناسی، سپاسگزاری، رعایت حرمت دیگران، عدل و احسان، توصیه نموده و از نفاق، ریا، دروغ، افترا و تحقیر به شدت بیزاری جسته است. همه افراد را در برابر اعمال خویش مسئول دانسته و می فرماید: هر کار ریز و درشتی در اعمال افراد ثبت و عمل هیچ کس ضایع نخواهد شد.

علاوه بر این، به امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه همگانی توجه کرده و انجام عبادات روزانه فردی و جمعی را به عنوان عوامل پیش گیرانه مطرح کرده است. البته، در جای خود پس از وقوع جرم و علی رغم آن همه التفات و توجه به امر پیش گیری و اصلاح و بازپروری، اسلام برای مجازات نیز - به عنوان اهرمی برای جلوگیری از تکرار وقوع جرم - تأکید فراوان دارد. در واقع، مجازات ها در اسلام نیز برای امر پیش گیری است.

بخش پنجم: راههای پیشگیری از ارتکاب عمل بزهکارانه

بند اول: بررسی و تشریح اقدامات پیشگیرانه

- هماهنگ کردن بخش های عمومی و خصوصی که در زمینه پیش گیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ مانند نیروی انتظامی، کار و امور اجتماعی، آموزش و پرورش، شهرداری ها، شوراهای امور جوانان، بهزیستی و... به منظور اجرای برنامه عملی پیش گیرانه و هماهنگی بیشتر.
- آگاهی دادن به خانواده ها برای نظارت و کنترل بیشتر آنان بر فرزندان و گوشزد کردن میزان مجازات جرایم در صورت ارتکاب جرم توسط آنان.



اتخاذ تدابیر امنیتی بیش تر توسط دولت در محل های جرم خیز و اقداماتی به منظور کمک به خانواده ها، بخصوص نوجوانان و جوانانی که در معرض آسیب قرار دارند.

▪ اطلاع رسانی شفاف رسانه های جمعی برای تشویق جوانان درباره تسهیلات و فرصت هایی که جامعه برای آنان قرار داده است.

بند دوم: راهکارهای شناسایی مشکلات نوجوان و جوانان

علاوه بر اقدامات پیش گیرانه، شناسایی راهکارهایی برای شناخت مشکلات نوجوانان و جوانان امری لازم و ضروری است. مواردی چند در این زمینه مطرح است:

▪ شناخت نیازهای روانی و کیفیت ارضای این نیازها در شادابی و نشاط فرد بسیار مؤثر است و ارضا نشدن آن و یا ارضای ناقص آن، اثرات نامطلوب بر جای گذاشته و زندگی را به کام فرد تلخ می کند و فرد را به انحراف می کشاند.

توجه به مشکلات جسمانی فرد، مشکلاتی همچون اختلال در گویایی، بینایی، شنوایی، جسمانی و عقب ماندگی ذهنی.

توجه به مشکلات آموزشی، مانند ناتوانی در یادگیری، ترک تحصیل، افت تحصیلی، بی توجهی به تکالیف درسی و تقلب در درس

توجه به مشکلات عاطفی، روانی، همچون افسردگی، خیال بافی، بدبینی، خودکم بینی، خودبزرگ بینی، زود رنجی، خودنمایی، ترس، اضطراب، پرخاشگری، حسادت، کم حرفی و وسواس.

▪ توجه به مشکلات اخلاقی، رفتاری همچون تماس تلفنی و نامه نگاری با جنس مخالف، معاشرت با جنس مخالف، شرکت در مجالس، خود ارضایی، چشم چرانی، فرار از منزل، غیبت از مدرسه، اقدام به خودکشی، سرقت، دروغگویی، اعتیاد، ولگردی و...

بند سوم: وظایف خانواده

خانواده ها نیز وظایفی در مقابل پیش گیری از جرم و بزهکاری فرزندان دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:



دوستی با فرزند و حذف فاصله والدین با فرزندان، به گونه ای که آنان به راحتی مشکلات و نیازهای خود را به والدین بگویند.

تقویت اعتقادات فرزند، به ویژه در کودکی و نوجوانی، در کنار پای بندی عملی والدین به آموزه های دینی.

ایجاد سازگاری در محیط خانه.

ایجاد بستر مناسب برای احساس امنیت، آرامش، صفا و صمیمیت و درک متقابل والدین و فرزندان.

تلاش در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزندان توسط والدین.

توجه به نیازهای روحی و عاطفی اطفال و نوجوانان و ایجاد فضای مطلوب و آرام در خانواده.

مراقبت والدین نسبت به اعمال و رفتار فرزندان خود.

برنامه ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان.

نظارت جدی والدین نسبت به دوست یابی فرزندان

بند چهارم: وظایف سایر نهادها

علاوه بر خانواده، سایر نهادها از جمله مجموعه حاکمیت، آموزش و پرورش، نهاد قضایی، بهزیستی و... نیز در این زمینه وظایفی دارند که به برخی از آن ها اشاره می گردد:

▪ تقویت ارتباط میان والدین دانش آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی.

تقویت مراکز مشاوره ای مفید و کارآمد در مدارس.

بها دادن به مسئله ترک تحصیل و یا اخراج دانش آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده های آنان.

ضرورت آشنایی نیروهای نظامی و انتظامی با انحرافات اجتماعی و نحوه برخورد با آنان.

اعمال مجازات های سنگین، علنی و جدی (در ملأ عام) برای باندهای فساد، اغفال و...



تقویت نظارت‌های اجتماعی رسمی و دولتی و نیز نظارت‌های مردمی و محلی از جمله امر به معروف و نهی از منکر برای پاکسازی فضای جامعه و تعدیل آزادی‌های اجتماعی. برنامه ریزی اصولی و صحیح برای اشتغال در جامعه، رفع بی‌عدالتی، و پی‌گیری منطقی نیازهای جوانان، تأمین امنیت و نیاز شهروندان.

جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرهای بزرگ و جلوگیری از پرداختن جوانان به اشتغال‌های کاذب مثل کوپن فروشی، سیگار فروشی، نوارفروشی و...؛ ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی، مشاوره‌ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان. ایجاد تسهیلات لازم برای جوانان و نوجوانان از قبیل وام ازدواج، وام مسکن، وام اشتغال، و...؛ ایجاد بستر مناسب برای ایجاد بیمه همگانی، بیمه بی‌کاری، و برخورداری نوجوانان و جوانان از تسهیلات اجتماعی و...؛

فراهم کردن موقعیت‌ها و بسترهای لازم در جامعه تا زندانیان پس از آزادی از زندان مورد پذیرش جامعه واقع شوند و شغل آبرومندانه‌ای به دست آورند؛ در غیر این صورت، مجدداً دست به اقدامات بزهکارانه خواهند زد.

از آن‌رو که از جمله عوامل مؤثر در ارتکاب جرم، بی‌کاری و فقر می‌باشد، می‌بایست با برنامه ریزی دقیق، که نیاز به عزم ملی دارد، نسبت به اشتغال در جامعه و ریشه‌کنی فقر و بی‌کاری اقدام لازم و بایسته صورت گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات عملی در پیشگیری از بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی نوجوانان

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پایانی مقاله حاضر باید گفت به‌طور مشخص می‌توان عوامل عمده زیر را به عنوان بسترها و زمینه‌های پیدایش انحرافات اجتماعی و یا هر رفتار نابهنجار نام برد؛ عواملی که نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در پیدایی هر رفتاری، اعم از بهنجار و یا نابهنجار، ایفا می‌کنند. به‌هرصورت افزایش آمار آسیب‌های اجتماعی در حدی است که برای کاهش و کنترل آن افزایش اطلاعات و برنامه ریزی از سوی همه دستگاه‌ها ضروری به نظر می‌رسد. در



عین حال، مهم ترین عامل یعنی خود فرد نیز نقشی تعیین کننده ای در این زمینه بازی می کنند. در نهایت و در جمع بندی کلی تمام مباحث مقاله حاضر پیشنهادات زیر قابل طرح است: باید به موازات فعالیت های رفاهی و تربیتی در نگرش ها ارزش ها و انگیزه های هر یک از افراد جامعه تغییرات بنیادی به وجود آید.

از جمله این تغییرات که بسیار م ی تواند موثر و کار آمد باشد تشکیل گروه های عمل در هر مرحله و منطقه است که در آن نوجوانان فعالانه در امور و فعالیت های مثبت محله خود مشارکت داشته باشند و سهیم باشند.

نظارت و کنترل دقیق تر در مدارس از طریق نقش فعال تر و ارتباط نزدیکتر معلمان با نوجوانان. برنامه های آموزشی و سر گرم کننده در جهت پیشگیری از بزه کاری و عواقب خطر ناک آن از طریق رسانه های گروهی به ویژه تلویزیون.

زمینه سازی جهت رشد اخلاقی نوجوان بر اساس معیارهای صحیح اعتقادی و ارزشی حاکم بر جامعه.

موثرترین روش برای پیشگیری از کجروی و سایر بزهکاری ها در سنین نوجوانی پرورش و تقویت ایمان دین است زیرا هیچ عاملی مانند ایمان نمی تواند خواسته ها و تمایلات انسان را مهار کند.



منابع و ماخذ

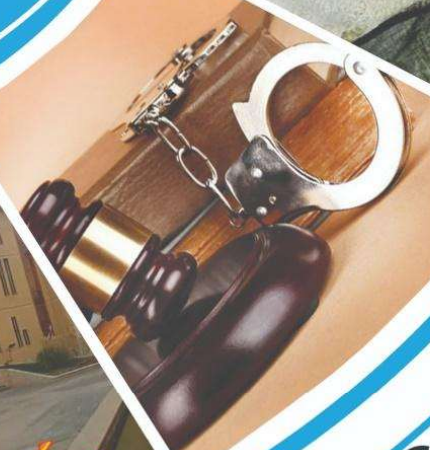
- قرآن کریم و بعد
- آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۰.
- المینگرت رونالوس، کودک و مدرسه، ترجمه شکوه نوابی نژاد، تهران، رشد، ۱۳۶۸، ص ۶۹.
- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان گردان عاشورا، ۷۱/۴/۲۲.
- پریچهر ابراهیمی، تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب.
- حمید جاودانی شاهدین، مجله حوزه و دانشگاه، درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی، شماره ۳۵.
- جعفر سخاوت، جامعه شناس انحرافات اجتماعی، چ چهارم، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۶.
- رابرتسون یان، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۰.
- علی اصغر قربان حسینی، جرم شناسی و جرم یابی سرقت، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۱، ص ۳۱.
- عباس عبدی، آسیب شناسی اجتماعی، قم، سپهر، ۱۳۷۱، ص ۴۵۵.
- علی حسین نجفی ابرندآبادی، «بزهکاری و شرایط اقتصادی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، سال ۱۳۷۰.
- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی.
- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۲۹۹، ح ۵.
- علامه مجلسی، بحارالانوار، جلد ۷۵، ص ۲۶۹، ح ۱۰۹.



- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۹۸، ح ۱۹.
- فلسفی، محمد تقی، جوان از نظر عقل و احساسات، جلد اول، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۸۶.
- کاوه، محمد، آسیب شناسی بیماری های اجتماعی (جلد اول)، نشر جامعه شناسان، چاپ اول ۱۳۹۱.
- محمدعلی یوسفی زاده، مجله حوزه و دانشگاه، انسان موجودی فرهنگی، سال سوم، شماره ۹.
- محمد فولادی، بررسی میزان و عوامل اقتصادی - اجتماعی مرتبط با سرقت در میان جوانان شهر قم، قم، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷.
- محمدرضا طالبان، دینداری و بزهکاری، تهران، فجر اسلام، ۱۳۸۰، ص ۳۸.



جهت همکاری با بنیاد علمی قانون یار در راستای برگزاری سمینار، کارگاه های آموزشی، کنفرانس و نشست های علمی با موسسه تماس بگیرید ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ مدیر پژوهش ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵


ششمین همایش ملی
جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان
6th scientific conference of Ghanonyar Institute at the national level

جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان در جامعه

مشاوره ۲۴ ساعت به پژوهشگران در خصوص نگارش و ارسال مقالات ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵

محورهای پذیرش مقالات پژوهشگران:

- ۱- پژوهش های مربوطه در حوزه پیشگیری از ارتکاب جرم و خودکشی
- ۲- شناخت علل و عوامل انحرافات جوانان در جامعه و ارائه راهکار عملی
- ۳- بررسی لزوم رعایت حجاب و آثار و پیامدهای آن در جامعه
- ۴- راهکارهای مبارزه با فقر، بی حجابی و فساد، اعتیاد، طلاق و ...
- ۵- پژوهش های مربوطه در راستای عدالت کیفری و عدالت ترمیمی
- ۶- تاثیر کیفر و مجازات در تکرار جرم و دستیابی به جامعه ای سالم
- ۷- شناسایی معضلات و آسیب های اجتماعی و ارائه راهکار حل مشکل

ایمیل همایش برای ارسال مقالات
OLOMENSANI@YAHOO.COM

مدیر هیأت سیاستگذاری همایش
دکتر سیدمصطفی حسینی

شماره تماس های دبیرخانه همایش
۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

ارسال مقاله از طریق پیام رسان
۰۹۱۰۰۶۳۶۰۵۲

مکان و زمان برگزاری همایش
۲۹ آذر- سالن همایش سازمان ارشاد پژوهش

لوگو حامیان معنوی و برگزار کنندگان همایش










ششمین همایش جرم شناسی و پیشگیری از ارتکاب جرم، خودکشی و انحرافات جوانان (نهاده برگزار کننده: بنیاد علمی و حقوقی قانون یار) - پروچرد-۱۳۹۴ آذرماه